

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هشتم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۱۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۵/۱۴

صفحات: ۸۱-۶۳

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشر دوستانه

دکتر مجید عباسی اشلقی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

سیدمحمدرضا موسوی فرد

دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزای دانشگاه خوارزمی

چکیده

سازمان‌های غیردولتی جهان کنونی علاوه بر اینکه به عنوان نمودی از دموکراسی در جوامع مطرح می‌شوند، به عنوان نهادهای موازی دولت، بخشی از بار اجرایی آن را بر عهده می‌گیرند. با توجه به ماهیت مردمی این سازمان‌ها، آنها ارگان‌های نظارتی مردم بر فعالیت‌های دولت در جهت اجرای خواسته‌های آنها به شمار می‌روند. در مقاله حاضر پس از بحث درباره سازمان‌های غیردولتی، به مفهوم حقوق بشر و اقدامات بشر دوستانه در جهان امروز پرداخته شده و سپس، جایگاه و نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در ترویج و گسترش اقدامات بشردوستانه در همکاری با سازمان ملل بررسی می‌شود.

کلید واژگان

سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌الدولی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، سازمان ملل متحد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، حقوق بشر، صلح.

مقدمه

امروزه در عصر ارتباطات و با گسترش تعاملات میان کشورها و سازمان‌های غیردولتی در عرصه بین‌المللی، بر اهمیت سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای افزوده شده است. بازیگران روابط بین‌المللی، اعم از دولتی و غیردولتی، بیش از پیش به یکدیگر وابسته شده و برای رسیدن به اهداف و منافع خود، راهی جز همکاری در قالب تشکل‌های سازمان‌یافته بین‌المللی پیش‌رو ندارند. هرچند در این روند دولت‌ها بخشی از اختیارات خود را به این سازمان‌ها واگذار می‌کنند، با این وجود، بازیگران بین‌المللی در سیاست خارجی خود گزینه‌ای غیر از تعامل و ارتباط فعال با سازمان‌های بین‌المللی برای رسیدن به اهداف خود ندارند. فارغ از اینکه هدف از تشکیل این سازمان‌ها، امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و یا اجتماعی باشد؛ اعضای سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای حضور مؤثر در صحنه روابط بین‌الملل ناگزیر از تعامل و همکاری با آنها هستند و برای اینکه بتوانند فعالیت‌های این دسته از سازمان‌ها را هرچه بیشتر در جهت منافع و اهداف خود سوق دهند باید در روند تصمیم‌گیری و مدیریت سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ایفای نقش نمایند. در جهان امروز و در عصر جهانی شدن تلاش در جهت گسترش صلح و اندیشه حقوق بشر جز در سایه اقدامات بشر دوستانه توأمان دولت‌ها و نهادهای مردمی غیردولتی امکان‌پذیر نیست. در حقوق بین‌الملل معاصر، نگاه ریشه‌ای و بنیان‌نگر می‌باشد. در این دیدگاه باور بر این است که مبارزه با جنگ مبارزه با نتیجه است و مبارزه نتیجه مبارزه مؤثری نخواهد بود. مبارزه با جنگ در صورتی کار ساز خواهد بود که صلح واقعی را به ارمغان خواهد آورد که مبارزه با معلول وزمینه‌های بروز خشونت باشد. اساس این دیدگاه مبارزه با فقر، گرسنگی، تبعیض، نقض فاحش حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری و سایر انواع خشونت ساختاری، فرهنگی و... به عنوان مقدمه برای تامین صلح و امنیت بین‌المللی بهای لازم داده شود.

۱. مبانی نظری: مفهوم سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی^۱ عموماً به عنوان سازمان‌هایی که به وسیله دولت‌ها یا توافقات میان آنها به وجود نیامده اند شناخته می‌شوند. طبق نظر هارولد جاکوبسون، این سازمان‌ها هم مانند «سازمان‌های

^۱ - Non Governmental Organizations

بین‌الدولی» دارای جلسات زمانبندی شده بین اعضا، نمایندگان، تصمیم‌گیران مشخص و یک هیأت مدیره دائمی هستند. (Jacobson, 1984: 4)

به علاوه اعضای آنها معمولاً افراد و موسسات خصوصی هستند و تقریباً همگی ارتباطات زیادی با سازمان‌های دیگر برقرار می‌کنند. تنوع گسترده‌ای از کارکرد این نوع سازمان‌ها^۱ در درگیری‌های دائمی، حل منازعات و همچنین در حوزه‌های کمک‌های بشر دوستانه، توسعه، حقوق بشر، استقرار صلح و حوزه‌های دیگر شاهد هستیم.

نفرت و دزدگی ناشی از فجایع جنگ‌های جهانی به ویژه جنگ جهانی دوم، سبب شد تا ملت‌ها همپا با نوسازی خویش، به تدریج به ضرورت مشارکت در امور مربوط به کشور و حکومت خود پی برده و با سازمان دهی خویش در چهار چوب‌هایی همانند سازمان‌های غیردولتی، نوع همکاری و تعامل با دولت را نهادینه سازند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و هم دوش با تحولات مرتبط با ایجاد سازمان ملل، مفهوم سازمان غیردولتی نیز از فراگیری بیشتری برخوردار شد. هر چند نام این نهاد در منشور ملل متحد ذکر نشده، اما ماده ۷۱ این منشور، در حالی که به وظایف و اختیارات «شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل»^۲ می‌پردازد، نام سازمان‌های غیردولتی را نیز به عنوان نهادهایی که شورا می‌تواند از ظرفیت‌های آنان جهت کسب اطلاعات دست اول و بهینه از وضعیت مناطق مورد نظر خود، استفاده نماید، مطرح می‌کند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۱۰)

عللی که باعث توسعه و مؤثرتر بودن فعالیت این سازمان‌ها می‌گردد عبارتند از:

(۱) سادگی روند ایجاد این سازمان‌ها که نیازی به انعقاد یک معاهده بین‌الدولی ندارد و در چارچوب حقوق داخلی یک دولت به وجود می‌آیند.

(۲) داشتن ابزارهای مادی لازم چون نیروی انسانی و مالی. این سازمان‌ها به علت نداشتن ساختار بین‌الدولی از انعطاف بیشتری در انطباق خود با شرایط عینی برخوردار بوده و می‌توانند استفاده بهتری از ابزارهای خود بنمایند، و لذا آسان تر به اهداف خود نائل گردند.

^۱- INGO

^۲- ECOSOC

با رجوع به اسناد سازمان ملل - مرتبط با بحث سازمان‌های غیردولتی - خصوصاً با توجه به پیش نویس‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۵۰ موسسه حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۸ و همچنین با عنایت به ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۸۶ استراسبورگ، می‌توان معیار عمده را برای تعریف سازمان‌های غیردولتی ارایه نمود:

الف. داشتن هدف عام المنفعه و بدون قصد سودجویی

سازمان‌های غیردولتی بدون انتظار سود فعالیت می‌نمایند و نباید هدف خود را کسب سود قرار دهند. این عامل امکان می‌دهد که شرکت‌های تجاری از قلمرو سازمان‌های غیردولتی خارج شوند. البته این بدان معنا نیست که سازمان‌های غیردولتی حق ندارند از یک فعالیت مشخص سودی کسب نکنند. برای مثال آنها می‌توانند از طریق فروش یک آگهی تبلیغاتی درآمدی کسب نمایند.

ب. ایجاد سازمان‌های غیردولتی بر اساس حقوق داخلی یک دولت

سازمان‌های غیردولتی اعم از داخلی و بین‌المللی به وسیله قانون داخلی یک دولت ایجاد می‌شوند. این مساله را شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۹۵۰ خود اعلام نموده است. بر اساس قطعنامه مذکور، هر سازمانی که سند موسس آن ناشی از یک موافقتنامه بین‌الدولی نباشد، یک سازمان غیردولتی محسوب می‌گردد.

پ. انجام فعالیت موثر در بیش از یک کشور

طبق قطعنامه‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای اینکه سازمان‌های غیردولتی بتوانند بین‌المللی محسوب شوند باید در تعداد قابل توجهی از کشورهای واقع در مناطق مختلف جهان فعالیت داشته باشند اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی در سال ۱۹۸۳ این تعداد را سه کشور تعیین نمود. بالاخره کنوانسیون استراسبورگ در ماده یک بند ۲ این تعداد را به دو کشور تقلیل داده است (بیگ زاده، ۱۳۷۸: ۱۴)

سازمان‌های غیردولتی می‌توانند فعالیت‌های خود را در چارچوب‌های داخلی تنظیم کنند یا به دنبال

نفوذ در آئین‌ها و روش‌های تصمیم‌گیری بین‌المللی باشند.

سازمان‌های غیردولتی راجع به تخلفات از حقوق بشر در کشوری سخن می‌گویند که مقررشان در آنجاست و بسیاری از اعضایشان اتباع آن کشور محسوب می‌شوند. از طرفی نقش مهمی در تعلیم و تربیت شهروندان در قلمرو حقوق بشر دارند. این سازمان‌ها در واقع موسسات و نهادهای رسمی و عمومی را وادار به فعالیت در قلمرو حقوق بشر می‌کنند.

ماده ۷۱ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل می‌تواند «برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند، هر گونه تدابیر مناسبی را اتخاذ نماید.» پذیرش «مقام مشورتی»^۱ سازمان‌های غیردولتی در شمول قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک قرار می‌گیرد که ماده ۷۱ منشور را به صورت دقیق مورد بررسی قرار داده و تشریح می‌کند. شورای اروپا نیز قواعد و مقرراتی برای اعطای مقام مشورتی به سازمان‌های غیردولتی، صادر کرده است. در عین حال سازمان‌های غیردولتی در کار کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم نیز دخالت دارند. یکی از موفقیت‌های بزرگ سازمان‌های غیردولتی، حضور آنها در کنفرانس جهانی بود که در آن اساسنامه رم در مورد دیوان بین‌المللی کیفری تهیه شد. سازمان‌های غیردولتی از حق دادخواهی به مثابه دوست دادگاه (داوطلب کمک به دادگاه)^۲، هم نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر (ماده (۲) ۳۶) و هم نزد دیوان آمریکایی حقوق بشر برخوردار شده‌اند. (کریستیان، ۱۳۸۶: ۴۱۷-۴۱۴)

با وجود اینکه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی^۳ بعضاً به جای «سازمان‌های مردمی»، «جنبش‌های اجتماعی»، «گروه‌های بزرگ» و «جامعه مدنی» استفاده می‌شود اما در حقیقت سازمان‌های غیردولتی هیچ کدام از آنها یکی نیستند. «سازمان‌های مردمی» عموماً گروه‌های منطقه‌ای و سازمان یافته از افراد هستند که برای تقویت قدرت عمل اعضای آنها در مسائل خاص به وجود آمده‌اند. البته برخی از سازمان‌های غیردولتی سازمان‌های مردمی هم هستند اما مفهوم سازمان‌های غیردولتی گسترده‌تر است مفهوم «جنبش‌های اجتماعی» وسیع‌تر و گسترده‌تر از سازمان‌هاست. جنبش اجتماعی عرصه وسیع

^۱ - Consultative Status

^۲ - Amicus Curiae

^۳ - INGO

جامعه را شامل می شود که در پی برانگیختن و به وجود آوردن تغییرات اجتماعی در حوزه هایی مثل خلع سلاح، محیط زیست، حقوق مدنی و جنبش زنان است. (Roger and Voegelé, 1997: 233) «گروههای بزرگ» مفهوم جدیدی است که در جریان نشست سازمان ملل در ریو در سال ۱۹۹۲ به منظور ایجاد یکپارچگی میان گروههای اجتماعی و دولت ملتها و «سازمانهای بین‌الدولی» در مورد مسائل مربوط به محیط زیست و توسعه در دستور کار قرار گرفت. سازمانهای غیردولتی به عنوان یک شخص جدا از این اشخاص شناخته می شوند اما در عین حال اشتراکات بسیاری با آنها دارند.

در حالی که این بحث مطرح است که این نوع سازمانها صدای مردم هستند، با این وجود، یک استدلال خلاف آنرا بیان می کند بر اساس این استدلال این سازمانها به وسیله عضویت و تمرکز رهبری که بیشتر در کشورهای ثروتمند و شمال قرار دارند به پشتیبانی از این دولتها اقدام می کنند. (Willetts) برخی دیگر هم معتقدند که تصمیم گیری در این نوه سازمانها مسائلی مانند تعهد، انتخاب مردمی و مسئولیت را بر آورده نمی کند.

خود این نوع نهادهای غیردولتی ممکن است محلی، ملی، یا بین‌المللی باشند. برخی اوقات این نهادهای بین‌المللی با عنوان (IINGO) شناخته می شوند. اکثر سازمانهای غیردولتی به رسمیت شناخته شده از سوی «شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل»، بین‌المللی دانسته می شوند اما بر خلاف باور عامه اولین گروه از سازمانهای غیردولتی شناخته شده از طرف شورای اجتماعی، اقتصادی سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۴۰، شامل چندین سازمانهای غیردولتی ملی نیز بوده است. همه این سازمانها یکدست نیستند. لیست طولانی از اسامی اختصاری که جمع آوری شده است تأییدی بر این ادعاست. به عنوان مثال سازمانهای بین‌المللی جهانی تجاری،^۱ سازمانهای بین‌المللی غیردولتی مذهبی،^۲ سازمانهای غیردولتی محیط زیست،^۳ سازمانهایی جهت مساعدت خارجی و حمایت^۴ سازمانهای

^۱- BIINGO (Business International INGO), IINGO

^۲- RIINGO (Religious International INGO)

^۳- EINGO (Environmental INGO)

^۴- COINGO (Government Operated INGO)

نیمه‌دولتی^۱ و بسیاری از سازمان‌های مختلف دیگر.

با اینکه برخی گروه‌های دیگر از سازمان‌ها هم غیردولتی هستند اما مشمول مفهوم ای ان جی او نمی‌شوند. این واژه به روشنی «شرکت‌های منفعت‌گرا»، «معاهدات خصوصی و شرکتهای چند ملیتی»^۲ را استثنا می‌کند (هر چندگاه همکاری‌های ایجاد شده توسط شرکت‌های چند ملیتی مانند اتاق بازرگانی جزء سازمان‌های غیردولتی محسوب می‌شوند) همچنین جنبش‌های آزادی خواه، احزاب سیاسی جزء سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به شمار نمی‌روند. متأسفانه اخیراً برخی خارج از چارچوب سازمان‌های بین‌المللی بخصوص نویسندگان نظامی جنبش‌های تروریستی را به سازمان‌های غیردولتی منتسب کرده‌اند، شاید این اقدامات در راستای بی اعتبار کردن سازمان‌های غیردولتی باشد. «پیترو ویلتس» سازمان‌های غیردولتی را اینگونه تعریف می‌کند: «تعهد در جهت خشونت زدایی محترم ترین اصل تعریف کننده یک سازمان بین‌المللی است.» (Peter Willetts)

۲. تاریخچه: سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد

پیشنهاد‌های مقدماتی امریکا برای یک سازمان بین‌المللی عمومی در ۱۸ جولای ۱۹۴۴ و با توافقات «دامبارتن اوکس»^۳ که بین چهار قدرت بزرگ یعنی امریکا، انگلستان، شوروی و چین در ۷ اکتبر ۱۹۴۴ حاصل شد، هیچ یک اشاره ای به نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نداشت غیر از یک مورد که در کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل آمده بود. (See to: Postwar Foreign Policy Preparation)

با این حال هیأت نمایندگان امریکا در کنفرانس «سان فرانسیسکو» نمایندگانی از ۴۲ سازمان ملی را به عنوان مشاور در بر می‌گرفت. این هیأت نمایندگان شامل اقشار زیر بود: «کارگر»، «حقوقی»، «کشاورز»، «تجار»، «زنان»، «کلیسا» «بازنشستگان» و «گروه‌های شهری و اجتماعی». پیشنهاد این هیأت درباره بند مشورت سازمان‌های بین‌المللی و شورای اجتماعی سازمان ملل متحد منجر شد به گنجاندن ماده ۷۱ در منشور که سازمان‌های غیردولتی را با این بیان مجاز می‌کند: «شورای اقتصادی

^۱- QUANGO (Quasi Nongovernmental INGO)

^۲- MNCS

^۳- Dumbarton Oaks

اجتماعی می تواند در مورد مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که در حوزه صلاحیت‌هایش هستند به توافقات سودمند برسد. هر یک از توافقات در شرایط مقتضی هم می تواند یا سازمان‌های ملی ایجاد شود البته بعد از رأی‌زنی با اعضای سازمان ملل که علاقمند هستند.»

در اوایل دهه ۱۹۹۰ اهمیت این نوع سازمان‌ها برای همگان روشن شد. سازمان‌های غیردولتی در کشورهای در حال توسعه به منظور برقراری پیوندهای نزدیک برای بهره برداری از منابع سطح زمین و مهمتر از آن کمک برای تأمین مخارج توسعه (که بسیار ارزاتر از کمکهای دولتی و یا سازمان‌های بین‌الدولی است) بنیان گذاشته شدند.

همان‌طور که گزارش دبیر کل سازمان ملل در سال ۱۹۹۸ اعلام می کند: از لحاظ پرداخت وام، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در کل دومین یاری کننده در مسیر توسعه به شمار می‌روند.

(Report of the Secretary General, 1998)

در سال ۱۹۹۲ مقاله‌ای در نیویورک تایمز درست قبل از کنفرانس سازمان ملل درباره توسعه و محیط زیست، اجرای برنامه‌های توسعه محور توسط سازمان‌های غیردولتی مانند برنامه «تریکل آپ»^۱ را مورد انتقاد قرار دارد و بر ارزش پایین و خطر بالای آنها تأکید کرد. (Paul, 1992: 78)

هنگام برگزاری کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ حدود ۱۴۲۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی نمایندگانی برای شرکت در کنفرانس ریو فرستادند این در حالیست که تقریباً ۲۵۰۰۰ اقدام و فعالیت و مشارکت از سوی ۹۰۰۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی فضایی جهانی را از سازمان‌های غیردولتی هم جهت ایجاد کرده بود.

با افزایش علاقه به مشورت با سازمان‌های غیردولتی، در سال ۱۹۹۳ شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد، یک بازنگری در ترتیبات مشورتی با این نوع سازمان‌ها را درخواست کرد. این عمل در جهت توسعه قوانین مرتبط با مشارکت سازمان‌های غیردولتی در کنفرانس‌های سازمان ملل، ترتیبات عملی کمیته‌های این نهادها و سهم سازمان‌های غیردولتی در دبیرخانه صورت گرفت. در ۳۵ جولای ۱۹۹۶ در چهل و نهمین نشست شورای اقتصادی، اجتماعی ملل متحد قطعنامه ای در مورد به روز کردن ترتیبات

^۱ - Trickle UP Program

مشورت با سازمان‌های غیردولتی به تصویب رسید. همانند دو قطعنامه قبلی در این قطعنامه ترتیبات اینگونه مشخص شده است: «حالت مشورتی عمومی» (سازمان‌هایی که مرتبط با فعالیت‌های عمومی شورا هستند و به طور گسترده معرف بیشتر کشورها هستند)، «حالت مشورتی خاص» (سازمان‌هایی که دارای صلاحیت تخصصی در حوزه‌های فعالیت شورا هستند) و «حالت متفرقه» (سازمان‌های مفید دیگر) و به برخی دیگر از سازمان‌ها حق حضور در جلسات و دریافت اسناد داده شده است. شورای اقتصادی، اجتماعی در دهه ۹۰ مدت زیادی با مجمع عمومی و دبیرخانه درباره مسئله وارد کردن سازمان‌های غیردولتی در ساختار سازمان ملل دست و پنجه نرم کرده و سرانجام در ژوئن ۲۰۰۴ اعضای برجسته دبیرخانه گزارش خود را در مورد جامعه مدنی و روابط سازمان ملل منتشر کرد که بیان می‌داشت، سازمان ملل باید: (۱) به مشارکت و همکاری بیشتر توجه کند، (۲) تکیه خود را بر دولت‌های بیطرف بگذارد، (۳) گفتگوی میان شورای امنیت و این نوع نهادها را تضمین نماید، و (۴) با نمایندگان این سازمان‌ها ارتباط بیشتری داشته باشد.

همچنین این گزارش پیشنهاد می‌کرد یک هیأت کوچکی تحت نظر مجمع عمومی و دبیرخانه با مسئولیت فراهم کردن همکاری و همگرایی بیشتر ایجاد شود. این هیأت تنها شامل نمایندگان سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی نخواهد شد بلکه نمایندگان منتخب تجار و کمیته‌ای در مسائل محلی را نیز در بر می‌گیرد. (Report of the Secretary General, 2004) واکنش سازمان‌های غیردولتی به این پیشنهادهای بسیار متفاوت و متغیر بوده است. از علاقه مندی نسبت به امکان نزدیک شدن به مجمع عمومی تا ترس از اینکه تنها حرکتی در کاهش نقش تجارت آزاد در ساختار سازمان ملل باشد.

۳. سازمان‌های غیردولتی و اقدامات بشر دوستانه

الف. صلح و حقوق بشر جهانی: اقدامات بشر دوستانه در عصر نوین

از دیرباز دستیابی به صلح و آرامش همواره جزء بالاترین آمال بشری بوده حتی در تشکیل جامعه بین‌الملل نوین مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد، حفظ صلح به عنوان نخستین هدف ملل متحد عنوان شد. تا جایی که احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز به عنوان ابزاری جهت تحقق این هدف نگریسته شده است.

چنین نگرشی در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) نیز انعکاس یافته است. قبل از آن که فهرست حقوق مندرج در این اسناد را به دلایلی چون عدالت، کرامت و ارزش انسان مدلل سازند، این دیدگاه مجمع عمومی منعکس شده که به رسمیت شناختن کرامت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان را تشکیل می‌دهد. واژه و اصطلاح صلح همواره به مفهوم فقدان جنگ و درگیری‌های مسلحانه تعبیر آورده می‌شد که در چنین معنایی صلح بطور مضیق مدنظر بوده که از آن به تعبیر «صلح منفی»^۱ یاد می‌نمایند. (وکیل، ۱۳۸۳: ۱۱۸-۱۱۹) تا اینکه در قطع‌نامه «کنفرانس عمومی یونسکو»^۲ آمده که اساساً اصطلاح صلح منحصرأ نمی‌تواند به معنای فقدان درگیری مسلحانه باشد، بلکه علاوه بر آن، صلح شامل فرآیند توسعه، عدالت و

احترام کامل میان ملتها و... نیز می‌شود. (See to: General Conference of UNESCO Res.)

به این ترتیب در مفهومی گسترده‌تر و در قالب «صلح مثبت»^۳ به کار گرفته شد. اما اصطلاح «حق صلح» که از جمله حقوق معروف به نسل سوم حقوق بشر شناخته می‌شود. برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ توسط کمیسیون حقوق بشر مطرح گردید. گام بعدی هم زمانی برداشته شد که مجمع عمومی در سال ۱۹۷۸، اعلامیه آمادگی جوامع برای زندگی در صلح را صادر کرد. (همان) صلحی که در اینجا از آن بحث خواهد شد صلح در مفهوم همین اصطلاح اخیر یعنی «حق صلح» است که در زمره حقوق جمعی^۴ برشمرده شده و تحت عنوان حقوق ملت‌ها یا اصطلاحاً نسل سوم^۵ حقوق بشر نامیده می‌شود. (مهرپرور، ۱۳۸۳: ۲۳۰)

حقوق بشر^۶ در سطوح ملی و بین‌المللی، متوجه حمایت از افراد بشر در مقابل رنجها و مشقات ساخته

^۱ - Negative Peace

^۲ - UNESCO

^۳ - Positive Peace

^۴ - Collective Rights

^۵ - Third Generation

^۶ - Human Rights

دست انسانها و موانع قابل اجتنابی است که از طریق اعمال محرومیت، بهره‌کشی، اختناق، آزار و اذیت کلیه اشکال سوء رفتار توسط گروه‌های سازمان یافته و قدرتمندی از انسانها به وجود آمده‌است. (همان: ۲۱۵)

مجموعه قواعد حقوق بشری شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که به منظور حمایت از حیات، سلامت و کرامت افراد، البته در شرایط متفاوت ایجاد شده است. مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که بر مبنای آنان افراد یا گروهها صرفاً به دلیل انسان بودن از استانداردهای رفتاری خاص برخوردار گشته یا از اختیاراتی بهره‌مند می‌گردند.

این باور جهان شمول وجود دارد که انسانها دارای حقوق هستند، هرچند که این جهان شمولی بر مقوله‌ای تعریف و تشریح این حقوق - پراکندگی وسیع و گسترده دچار می‌گردد. تمایزات تاریخ، تفاوت‌های فرهنگی، تعارضات اقتصادی، تنشهای سیاسی غیرهمگون و بنیان‌های فلسفی نامتقارن منجر به این گشته‌اند که نتوان از یک واژه نامه یکسان در حیطه حقوق بشر استفاده کرد. (دهشیار، ۱۳۸۳: ۸۷) اصطلاح جهان‌شمولی، عمومیت^۱ و شمول از «UNIVERSE» گرفته شده است. «UNIVERSE» در لغت عبارت است از جهان، گیتی، عالم و کائنات صفت به معنای فراگیر، عالمگیر، جهانی و جهان‌شمول است؛ یعنی چیزی که متعلق به تمام افراد جهان است و تمام افراد و ملل جهان را شامل می‌شود.

در ذیل به چند مفهوم جهان‌شمولی اشاره می‌شود:

- ۱) جهان شمولی به معنای جامعه شناختی آن، یعنی مقبولیت جهانی یا این که حقوق از اراده و تصمیم عام بین‌المللی ناشی شده باشد و به عبارتی منبع حقوق، جهانی باشد.
 - ۲) جهان‌شمولی به معنای سازگاری و همخوانی با همه فرهنگ‌ها و جهان‌بینی‌ها.
 - ۳) جهان‌شمولی به معنای شمول و فراگیری همه افراد انسانی در هر کجا.
- همچنین «حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد حقوقی بین‌المللی و ساز و کارهایی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها از مقام، منزلت و کرامت انسانی همه افراد و یا گروه‌ها صرفاً به دلیل، اینکه انسانند در مقابل همه دولت‌ها حمایت می‌کند.» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۸)

^۱ - Universality

ب. نقش سازمان‌های غیردولتی در گسترش اقدامات بشر دوستانه

سازمان‌های غیردولتی نیز نقش جدیدی در مسائل بشر دوستانه از طریق مأموریت‌های مداوم در حفظ صلح ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها به طور روز افزون در روابط سازمان ملل مورد توجه قرار می‌گیرند و برخی دیگر نیز در پی برقراری روابط دوستانه با اعضای شورای امنیت هستند تا در مواقع لازم فعالیت‌های خود را هماهنگ نمایند.

هم تعداد سازمان‌های غیردولتی و هم مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های ملی و بین‌المللی بخصوص بعد از نیمه دوم قرن ۲۰ به صورت چشم‌گیری افزایش یافته است. در زمان بنیانگذاری سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ حدود ۲۸۶۵ سازمان بین‌المللی غیردولتی وجود داشت. در سال ۱۹۹۰ در مقایسه با ۳۴۴۳ سازمان بین‌الدولی و ۲۰۰ دولت-ملت، تعداد سازمان غیردولتی به ۱۳۵۹۱ سازمان افزایش یافته است.

سازمان‌های غیردولتی در مسائل مرتبط با حقوق بشر، توسعه، محیط زیست و خلع سلاح شناخته شده هستند این بدلیل نقشی است که آنها در تأثیرگذاری بر سیاستگذاری در سازمان ملل و در دولت ملتها داشته‌اند. همچنین این نوع سازمان‌ها در درگیری‌های سازش ناپذیر دارای اهمیت می‌باشند در این مسئله نقش سازمان‌های غیردولتی چند بعد دارد از آنچه حل‌کنندگان منازعات به عنوان دیپلماسی انجام می‌دهند تا نظارت بر انتخابات، خلع سلاح و حقوق بشر. مری اندرسون^۱ بر اهمیت هر دو جنبه فعالیت سازمان‌های غیردولتی (کمک‌های بشر دوستانه حل منازعات) و مهمتر از آن بر بی‌ضرر بودنشان تأکید کرده است. (Anderson, 1999: 235)

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از نقش مشورتی خود با سازمان ملل در جهت اثر گذاشتن بر منازعات بی‌پایان به شیوه‌های مختلف استفاده می‌کنند. آنها در پی آن هستند که مجمع عمومی و دیگر بخش‌های سازمان ملل را برای تصویب قطعنامه‌هایی در موضوعات «خلع سلاح»، «توسعه»، «حقوق بشر» و موضوعات دیگر که جزء علل و ریشه‌های اصلی منازعات هستند مجاب نماید. این سازمان‌ها به توسعه نهادهای جدید سازمان ملل و معاهدات کمک زیادی کرده‌اند. آنها در صدد بوده‌اند

تا مباحثات جدیدی مانند محیط زیست، حقوق زنان و کودکان را در حوزه صلاحیت سازمان ملل بگنجانند آنها از طریق دیوان بین‌المللی از اعضای سازمان ملل برای مسائل تسلیحاتی و خلع سلاح در خواستهایی کرده‌اند و در توسعه دیوان بین‌المللی دادگستری اهمیت فراوانی داشته‌اند و نیز در کمکهای بشر دوستانه، باز پرداخت بدهی‌ها و اجتماعی که اخیراً برای جلوگیری از بروز منازعات فعالیت می‌کنند ایفای نقش کرده‌اند.

سازمان‌های غیردولتی با تهیه و تدوین گزارش‌هایی در خصوص موارد نقض حقوق بشر برای مقاصد کیفی چه مجامع قضایی داخلی و چه بین‌المللی مراقب را انجام می‌دهند و برای نمونه در جریان نسل‌کشی بوسنی سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری از طریق لابی با آمریکا و سازمان ملل آنها را به تشکیل دادگاهی بین‌المللی قانع کردند و شواهد لازم برای این دادگاه و دادگاههای دیگر را فراهم آوردند. برای مثال دیگر، در برنامه «دیوان بین‌المللی» که در ۱۹۸۶ در نیوزلند آغاز شد، مسئولیت ارائه نظریات و دیده‌ها به سازمان بهداشت جهانی و مجمع عمومی در مورد سلاحهای هسته‌ای و محیط زیست بر عهده سازمان‌های غیردولتی گذاشته شد. «سازمان جهانی فیزیکدانان علیه جنگ هسته‌ای»^۱ که در سال ۱۹۸۵ موفق به کسب جایزه صلح نوبل شد بیانیه‌ای در حمایت از قطعنامه نشست جهانی در سال ۱۹۸۸ صادر کرد. همچنین طرحی از سوی دفتر «همکاری حقوقدانان علیه سلاحهای هسته‌ای»^۲ به کشورهای ارسال شد و توسط روزنامه‌ها هم مورد حمایت قرار گرفت تا همه جهانیان برای آن اقدام نمایند.

با استفاده از ماده ۶۶ منشور سازمان ملل متحد (که به بخشهای دیگر اجازه می‌دهد برای بیان نظرات دیدبانی که دیوان بین‌المللی درخواست نموده در مجمع عمومی حضور یابند) سازمان جهانی فیزیکدانان علیه جنگ هسته‌ای سازمان بهداشت جهانی را متقاعد کرد تا قطعنامه‌ای در موضوع یاد شده در ۱۴ می ۱۹۹۳ تصویب کند. (www.un.org)

دو سازمان یاد شده بعد از اینکه بررسی مسئله به دیوان رفت در سپتامبر ۱۹۹۳ طرحهایی را مطرح کردند که مورد پذیرش بسیاری از کشورهای قرار گرفت. دیوان بین‌المللی در طول سال‌های ۱۹۹۴ و

^۱- IPPNW

^۲- IALANA

۱۹۹۵ در حال رسیدگی به دادخواستها و مدارک و کلاهی شهروندان بود.

دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای و برخی دیگر استدلال می‌کنند که مجمع عمومی سازمان ملل مسئول اصلی رسیدگی به اینگونه مسائل است نه «سازمان بهداشت جهانی»^۱ کمیته حقوقدانان در سیاست هسته‌ای نمایندگان امریکا در سازمان^۲ به مجمع عمومی فشار وارد می‌کرد تا قطعنامه‌ای تصویب نماید. قطعنامه‌ای با دستاورد حمایت از فعالیت‌های صلح آمیز در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۴ توسط مجمع عمومی به تصویب رسید. در آن روزها پرونده به دیوان بین‌المللی رسیده بود و دادگاه در ۸ جولای ۱۹۹۶ رأی خود خود را اینگونه صادر کرد: تهدید و یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای بر خلاف قانون جنگ‌های مسلحانه و حقوق انسان دوستانه بین‌المللی است. اما در مورد دفاع از خود اظهار نظری نکرد. در این پرونده سازمان‌های غیردولتی از طریق دولت‌ها و نهادهای مشورتی با شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد وارد عمل شدند تا رأیی از دیوان دادگستری بین‌المللی به دست آورند که دولت‌های قدرتمند هسته‌ای مخالف آن بودند. این طرح در چندین پرونده دیگر در خارج از حوزه‌های اقتصادی سیاسی مورد تقلید واقع شد. «کوفی عنان»^۳ دبیرکل پیشین سازمان ملل مکرراً اهمیت نقش این نوع سازمان‌ها در توسعه دیوان بین‌المللی و حل مسئله مناطق مین گذاری شده در ۱۹۹۷ را گوش زد کرده است.

«سازمان جهانی مبارزه با مین گذاری»^۴ توانست به صورت موفقیت آمیز هم دولت‌ها و هم سازمان‌های غیردولتی دیگر را بسیج کند به طوری که «کنوانسیون اوتاوا»^۵ توسط همه ۱۲۲ کشور در دسامبر ۱۹۹۷ امضا شد. در سپتامبر ۱۹۹۸ که بورکینافاسو به عنوان چهارمین کشور به معاهده منع مین‌گذاری پیوست یک رکورد در مدت یک معاهده جهانی ثبت شد. این اقدام یک همکاری یگانه بین گروه متشکلی از حکومتها و سازمان‌های مبارزه با مین گذاری بود که در سلسله نشست‌هایی در وین، بن،

^۱ - WHO

^۲ - IALANA

^۳ - Kofi Annan

^۴ - ICBL

^۵ - Ottawa convention

بروکسل و اُسلو در طی سال ۱۹۹۷ حاصل شد این همکاری خارج از سیستم سازمان ملل بود و به جای اجماع بر رأی اکثریت متکی بود. در این مسئله سازمان مبارزه با مین‌گذاری در مذاکرات شرکت می‌کرد و سعی در متقاعد کردن دولت‌ها داشت.

مذاکرات غیر رسمی مکانیزم‌های مهمی هستند که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی را به سازمان ملل مرتبط ساخته‌اند. در اوایل سال ۱۹۹۵ «جیم پل»^۱ و عده‌ای دیگر شروع به ثبت گروه‌های عملیاتی سازمان‌های غیردولتی در شورای امنیت کردند. در کمک‌های بشر دوستانه و مسائل امنیتی هماهنگی‌ها پر رنگ‌تر شده و گاه منجر به مباحثاتی بین اعضای شورای امنیت و سازمان‌های بشر دوست شده است. به طور کلی ۳۰ ای‌ان‌جی‌او در این زمینه به نمایندگی از گروه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. ۶ ای‌ان‌جی‌او مذهبی، ۶ سازمان غیردولتی حقوق بشر، ۲ گروه زنان و تعدادی در مورد کمک‌های بشر دوستانه و توسعه همچنین گروه‌های دیگر مانند صلح بین‌الملل، کمیته حقوقدانان در سیاست هسته‌ای، حامیان دیوان بین‌المللی، جنبش فدرالیسم، بنیاد خیریه سازمان ملل و دادگاه صلح لاهه. این سازمان‌ها به صورت گسترده و خصوصی با اعضای شورای امنیت دیدار کرده و اطلاعات میدانی خود از مناطق بحرانی را در اختیار آنها گذاشته‌اند. (Global Policy Forum)

اکنون دفتر «همکاری سازمان ملل»^۲ به عنوان یک ای‌ان‌جی‌او کوچک اما تأثیرگذار که در راستای تسهیل کار نمایندگان فعالیت می‌کند در سازمان دایر است و برخی اوقات در مورد موضوعات مربوط به مسائل زیست محیطی بین طرفین جنگ جلساتی برگزار می‌کند. «کواکرز»^۳ و «منونیتز»^۴ هر دو از سازمان‌های عملیاتی غیردولتی هستند که پیوسته نقش میانجی‌گری در درگیری‌ها را بازی می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی زیاد دیگری هم هستند که مستقیماً در حل منازعات تلاش می‌کنند. سازمان‌هایی مثل «پاگواش»^۵ و «دارت موث»^۱ در دهه‌های زیادی فعالیت کرده‌اند بخصوص در مسائل

^۱- Jim Paul

^۲- Quaker UN Office

^۳- Quakers

^۴- Mennonites

^۵- Pugwash

مربوط به کنترل تسلیحات و مرزبندیهای دوره جنگ سرد. عملکرد جامعه «سنت ایگیدیو»^۲ هم در نقش مکمل مذاکرات صلح موزامبیک بسیار مهم بوده است.

«سازمان بین‌المللی بحران»^۳، «بر ظهور علائم نسل کشی»، علاوه بر دیگر عملکردهایش کنترل داشته است. سازمان «جستجو برای زمینه های مشترک»^۴ در حمایت از صلح و حقوق زنان در جنگها اقداماتی انجام داده از جمله در بروندی^۵ اقدام به تأسیس رادیو کرده است تا ندای صلح را منتشر نماید. «سازمان هشدار جهانی»^۶ و سازمان فیور^۷ بسیاری دیگر از سازمان‌های غیردولتی در مورد اخطار دادن در مورد قانونشکنی های آغازگر منازعات فعالیت می کنند. «سازمان جامعه بین‌المللی زنان در صلح و آزادی»^۸ در مذاکرات خلع سلاح در نیویورک یکی از اولین گروه‌هایی بودند که با شورای امنیت در تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ سال ۲۰۰۰ همکاری می کردند. نقش این نوع سازمان‌ها در درگیری‌ها این موارد را شامل می شود، پایان دادن مستقیم، دیپلماسی، میانجیگری، همکاری در نظارت بر انتخابات، حمایت از حقوق بشر و تشویق دولت‌ها به ایجاد شرایط پایدار صلح و امنیت سازمان‌های غیردولتی غالباً در مسائل مختلف جهانی نقش مثبت داشته اند. گرچه سازمان‌های غیردولتی بازیگران متقدم این صحنه ها نبوده اند اما بدون کمک آنها انجام بسیاری از کارهای دولت‌ها و سازمان‌های دیگر امکان‌پذیر نیست. (Stephenson, 1998: 223)

نتیجه گیری

از آنجا که ارتباطات دولت‌ها با یکدیگر به منظور مراودات اقتصادی و فرهنگی تحت تأثیر سیاست

¹- Dartmouth

²- Sant Egidio

³- International crisis Group

⁴- Search for Common Ground

⁵- Burundi

⁶- International Alert

⁷- FEWER

⁸- Women's International League of Peace Freedom

و روابط پیچیده دیپلماتیک می‌باشد، لذا تعامل و ارتباط ملت‌ها که بدنه اصلی نظام بشری را تشکیل می‌دهند، می‌تواند در سیستم سازمان‌های غیردولتی امکان‌پذیر باشد، زیرا میزان تأثیر ارتباطات شخصی و فردی در حوزه بین‌الملل بسیار ناچیز است. از سوی دیگر اعتمادی که یک سازمان غیردولتی می‌تواند با ساختار قانونی خود ایجاد نماید، سبب تبادل افکار و فرهنگ و دریافت و توزیع مناسب امکانات مادی و معنوی در کشورها می‌گردد. نقش سازمان‌های غیردولتی در اطلاع‌رسانی نیز حائز اهمیت است، زیرا رسانه‌های گروهی یا منابع رسمی اطلاع‌رسانی اغلب تحت تأثیر قدرت‌ها، نمی‌توانند مستقل و فارغ از پیش‌دوری‌ها فعالیت نمایند. در صورتی که تبادل اطلاعات صحیح، مردمی و حقیقی می‌تواند از طریق سازمان‌های غیردولتی تحقق یابد. همچنین در مجامع بین‌المللی قدرت تأثیر سازمان‌های غیردولتی به لحاظ ارتباط مستقیم آنها با مردم و واقعیت‌های ملموس جامعه، بنابر حوزه عملکرد ملی یا بین‌المللی آنها بیشتر می‌باشد، زیرا این سازمان‌ها با تشکیل جامعه مدنی، بافت اجتماعی را از حالت توده‌های بی‌شک مردم به سمت گروه‌های هماهنگ هدایت می‌کنند که می‌تواند عامل مهمی در فرهنگ‌سازی و توسعه همه‌جانبه سیاسی-فرهنگی و اقتصادی باشد. از لحاظ حقوقی نیز سازمان‌های غیردولتی تابع کنوانسیون‌ها و مقرراتی که دولت‌ها را محدود می‌کنند، نیستند و در نتیجه دست آنها برای انجام بسیاری از اقدامات ملی و بین‌المللی باز است. این تشکل‌ها برای انجام فعالیت‌های خود نیاز چندانی به سفرهای دیپلماتیک و چانه‌زنی‌های سیاسی ندارند و می‌توانند با آزادی عمل بیشتری تأثیرگذار باشند.

منابع فارسی

- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، «سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۲-۳۱.
- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، *حقوق بشر مبانی نظری، تحولات تاریخی و ساز و کارهای اجرایی*، ترجمه حسین شریفی ملازکوهی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، بهار.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۳)، *سیاست خارجی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر*، تهران: نشر خط سوم.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *حقوق بین‌المللی عمومی*، تهران: نشر گنج دانش.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۶)، *راهنمای سازمان‌های غیردولتی*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.

English Source

- Anderson, Mary (1999), *How Aid Can Support Peace or War*, Colorado: Lynne Reiner Publishers.
- First Text in U.S. Department of State, Postwar Foreign Policy Preparation, 1939-1945,
- General Conference of UNESCO Res. (1974), No. 18c/11/1, at:
<http://www.unesdoc.unesco.org/images/0011/001140/114040f.pdf>
- <http://www.un.org/reform/panel.htm>
- Jacobson, Harold K. (1984), *Networks of Interdependence: International Organizations and the Global Political System*, New York: Alfred A. Knopf, Second Edition.
- Lewis, Paul (1992), "Fixing World Crises" Just a Job for Diplomats", *New*

York Times, 5 April.

- Powers, Roger S. and William B. Voegle, (eds.) (1997), "Protest, Power, and Change: *An Encyclopedia of Nonviolent Action from ACT UP to Women*", New York: Garland Publishing Inc.

- Report of the Secretary General (1998), *Arrangements and practices for the Interaction of non governmental organizations in all activities of the United Nations System*, 10 July.

- Report of the Secretary General (2004), *Panel of Eminent Persons on Civil Society and UN Relationships*, 21 June.

- The Scientific and Technological Community, and Farmers, United Nations Department of Public Information, *Earth Summit Agenda, The United Nations Program of Action from Rio*.

- United Nations Charter 1945, at:

<http://www.un.org/en/documents/charter/index.shtml>

- Willetts, at: http://staff.city.ac.uk/P.willetts/CS/NTWKS/INGO_ART.HTM

Global Policy Forum (2003), "INGO Working Group on the Security Council Information Statement", July, art:

<http://www.globalpolicy.org/security/ingowkgrp/statements/current.htm>

Stephenson, Carolyn M. (1998), "NGOs and the Principal Organs of the United Nations", in Paul Taylor and A.J.R. Groom (eds.), *The United Nations at the Millennium: The Principal Organs*, London: Continuum.